



دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۷ • شماره ۱۰۴۱

حدیث روز

امام حسن عسکری(ع):آن که از مردم پروا نکند، از خدا نیز پروا نمی کند.

بحارالانوار

ذکر روز دوشنبه

صد مرتبه «یا قاضی الحاجات»

در محضر بزرگان

آن چه آخرت را از یادت می برد رها کن

استاد حسن زاده املی می فرمایند: «شایسته است بر تو که از معاشرت های خالی از تعلیم با مردم بکاهی. به ویژه با ثروتمندان و مترفین و دنیاخواهان، باید آن چه که آخرت را از یاد تو می برد و میل و رغبت به دنیا را در تو ایجاد می کند، رها کنی و با صالحان و پارسایان و اهل عبادت همراه گردی؛ زیرا این عمل به طور کلی در تهذیب نفس موثر است.»

برگرفته از «در آسمان معرفت»

بریده کتاب

کتاب ترانه زندگی

ممکن است آدم یک عمر زندگی کند و نفهمد که کنار دستش یک کتاب هست که کل زندگی اش را به سادگی یک ترانه بیان می کند.

برگرفته «بیچاگان»

انرداستایوفسکی

داستانک از شما

شوهر ایرادگیر

مریم هیچ وقت فکرش را نمی کرد که شوهر او این قدر ایرادگیر باشد. ایرادگیری به حدی بود که او کم کم داشت افسردگی پیدا یی کرد. تا این که روزی به همسرش حامد زنگ زد و گفت: «حامل خیلی گرفته است، عصر زودتر بیا تا با هم به سینما برویم.» حامد گفت: «نمی توانم، سرم خیلی شلوغ است!» مریم با ناراحتی گفت: «اگر عصر نمی توانی بیایی لااقل اجازه بده تا خودم به تنها یی به سینما بروم.» حامد پاسخ داد: «مگر فراموش کردی سسری قبل که تنها به سینما رفتی کیفت را زدند و من از آن موقع بارها به خاطر این قضیه سرزنش کرده ام. ولی تو هنوز متوجه نیستی! باشد، عصر هر جور باشد می آیم.»

پس از تماشای فیلم درحالی که سوار بر ماشین به خانه بر می گشتند حامد با عصبانیت به مریم گفت: «هیچی از فیلم نفهمیدم! از پس که از فیلم و لباس های بازیگران ایراد گرفتی و در گوشم پیچ پیچ کردی!» حرف های حامد که تمام شد گریه های مریم شروع شد. در حالی که می گفت: «شما دو ساعت ایرادهای مرا نتوانستید طاقثت بیاورید، پس من چه دلی دارم که چند ماه است مدام از من ایراد می گیری!»

شانه های مریم که از گریه تکان می خورد حامد هم تکانی خورد و متوجه اشتباهش شد. سیدحسین ارونند

اندکی صبر

در انتظار نگاه

محمد علی وکیلی

گاهی

این همه گل

در انتظار یک نگاه...!

و گاهی

این همه نگاه

در آرزوی یک گل

ما در بیرون فصل ها ایستاده ایم...

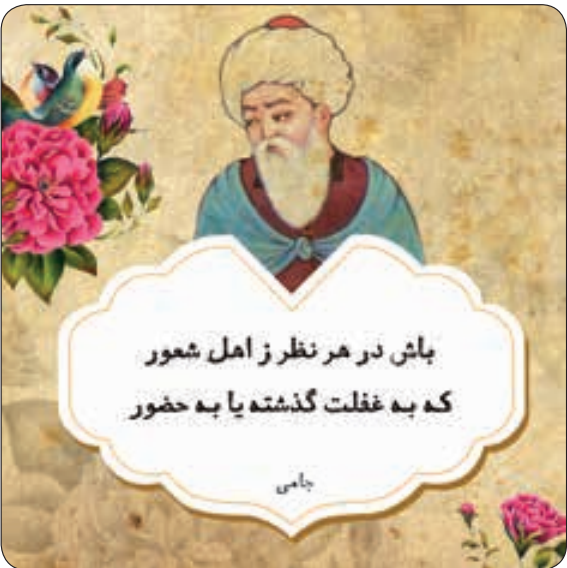


دنیا به روایت تصویر



یاهو| مسابقات جهانی قهرمانان قرون وسطی،اسکاتلند

پند نیکان



با خانمان

صلح پایدار و مدیریت داخلی خانه

مهدیسا صفری خواه | طنزپرداز

مدیریت داخلی خانه یکی از سخت‌ترین کارهای دنیاست. همزمان حواستان باید به جیب خانواده، رژیم غذایی بچه‌ها و افزایش قیمت‌ها و گرانی باشد. باید حساب شده در مهمانی‌ها شرکت و حساب شده مهمان دعوت کنید و مراقب باشید به فهرست سیاه خانواده خود و همسر تان تبعید نشوید.

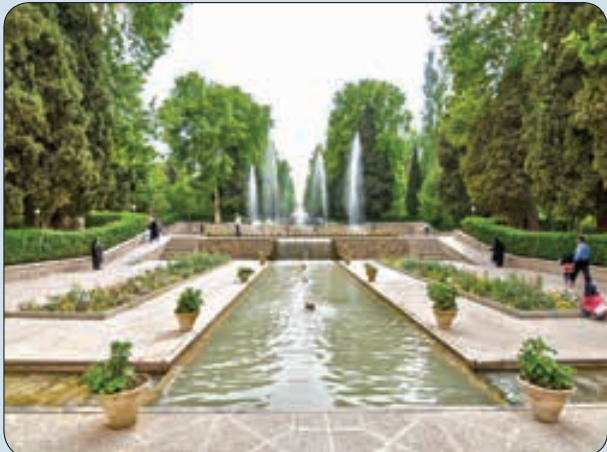
برای این کار همیشه باید کمی پس‌انداز داشته‌باشید، شاید تخم‌مرغ یک دفعه سرخود تصمیم گرفت دو برابر شود. برای این که مدیر نمونه و کارآفرین شناخته شوید لازم است هر از گاهی از خودتان تقدیر کنید، برای خودتان هدیه بخرید، ریخت و پاش کنید و تقدیرنامه بگیریدد و با احتیاط پیش‌تری فهرست خرید بچینید. بخشی از هزینه‌ها را قبول کنید و مثلا حامی مالی آموزش بچه‌ها از جیب خودتان باشید. روی این بخش مالی آموزشی می توان تا حد زیادی «شواف» کرد، البته ما می‌دانیم شما نیت تان خیر است. مدیریت داخلی خانه چیزی فراتر از هشداد تمام شدن گوشت و مرغ است. شما مثل یک حسگر فعال باید روحیه امید را در خانواده پایش و هر از گاهی به اعضای خانواده امید تزریق کنید. حتی اگر خودشان هم نخواهند به زور این کار را بکنید. وظیفه همه هم‌صنفی‌های شما در اساسنامه مدیران داخلی، تزریق امید به جامعه هدف است. برای این کار هر از گاهی گوشت و مرغ کمتری بخورید و بگذارید به مرد زندگی تان القا شود، همه چیز در خانه هست. هر از گاهی فرصت خوردن چای دورهمی را به‌هم بدهید و از دور به قیل و قال آدم‌ها برای گرفتن جای همدیگر در زندگی بختنید.

مدیریت داخلی خانه از هر مدیریت داخلی دیگری ترسناک‌تر است. شما با مدرک مدیریت دولتی و مدیریت بازرگانی هم ممکن است در کار مدیریت خانه تان بمانید. باید این کار را دلی ولی با مسئولیت‌پذیری بالا انجام دهید و از ایفای نقش قربانی پر هییز کنئید. مردم از دیدن قربانی‌ها خسته می‌شوند و انرژی تان را بگذارید روی تأمین نیازهای مالی و معنوی همزمان. بیشتر از حامی مالی، باید حامی معنوی خانواده باشید. آن‌ها توقع دارند که شما آخرین نفری باشید که می‌شکند. به آن‌ها ثابت کنید سنگر را رها نمی‌کنید حتی اگر روی کاغذ آمار بدهی‌تان از آمار بدهی‌های فلان باشگاه لیگ برتری به فدراسیون و سازمان لیگ بیشتر باشد. لیخند بنیزد و بگذارید دور و بری‌هایتان باور کنند در خاورمیانه کوچک شما صلح پایدار برقرار است.

قاب ایران

ماهان، بهشتی میان کویر

از شهر کرمان که به سمت بیم حرکت کنید جاده‌ای خشک و کویری را مقابل خود خواهید دید. اما با طی کردن ۲۵ کیلومتر به شهری سرسبز در وسط این کویر خواهید رسید که تعجب را در چشمان شما پدیدار خواهد کرد. نام این شهر «ماهان» است و مهم ترین جاذبه گردشگری آن باغ شاهزاده ماهان. قدمت این باغ که یکی از زیباترین باغ های ایران به شمار می آید به دوران قاجار می رسد. درون باغ رستورانی سنتی فعالیت می کند و در برخی از اتاق های عمارت به فروش سوغاتی یا گرفتن عکس با لباس محلی مشغول هستند. همچنین امکان اسب سواری در خارج باغ مهیاست. اگر به این باغ سفر کردید خوردن فالوده کرمانی را فراموش نکنید!



عکس و متن: امین جوشش



گاردین | جوجه قوی تازه سر از تخم در آورده

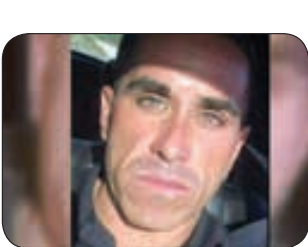
شبکه های اجتماعی

✱ نمایشگاه کتاب هر سال شلوغ تر میشه ولی نمی دونم ملت این همه کتاب رو چه کار می کنن که سرانه مطالعه مون همچنان داره افت میکنه؟!
✱ به محض گرون شدن دلار آب معدنی دو برابر شد قیمتش. بابا به خدا آب رو که وارد نمی کنیم دیگه. مگه به دلار از چشمه‌ها پر می‌کنید؟!
✱ مهمان تا وقتی سبب و موز و خیار می خوره جاش رو چشم ماست، اگه رمز وای فای خونه رو بپرسه دیگه از صد تادشمن بدتره!
✱ امروز تو بارون داشتم ۱۳۰ تا می‌رفتم تواتوبان، پنج تا رعد و برق دقیقاً داشت می خورده ماشینم... رعد و برق ششم فهمیدم پنج تای قبلی هم دوربین بوده و پلاک ماشین روزده!
✱ گاهی دانشگاه‌های کشور اون جایی سکوی پرتاب و درخشش استعدادها میشن که نری دانشگاها!

✱ شما دقت کن نصف اتوبانی که دماغشون رو عمل میکنن دیگه از اون به بعد یه عکس تمام رخ نمی بینی ازشون تو هیچ شبکه اجتماعی. کم مونده دیگه بهوری راه برن اصلا!
✱ ویفر ۲ در صندش خورده میشه، ۹۸ درصدش می ریزه رو لباس!
✱ فقط وقتی کلاس‌های هشت صبح خوبه که خواب می مونی و نمیری!

دور دنیا

خواستگار خوش اشتهای فراری!



دیلی میل–پل گونزالس، مرد آمریکایی که حالا حسابی در کشورش معروف شده است، بعد از این که با زنان برای ازدواج در رستوران های گران قیمت قرار می گذاشت، به بهانه ای از رستوران خارج می شد و دیگر بر نمی گشت. زنان بخت بر گشته هم که فکر می کردند برای صرف شام یا ناهار دعوت شده اند، مجبور می شدند هزینه های گزاف صورت حساب را بپردازند. او سه سال است که از این راه در بهترین رستوران ها غذا خورده و حالا با لورفتن عکس و نقشه اش، دیگر نمی تواند با هیچ زنی قرار خواستگاری بگذارد.

دزدی با صورت سبز



پلیس خیلی زودتر از آن که این فرد بتواند از مترو فرار کند، او را از روی صورت سبزش تشخیص داد و بازداشت کرد.

شعر طنز

چی بهتر است؟

امیرحسین خوش حال | شاعر و طنزپرداز

خانه خالی ز مهمان بهتر است
گرچه باشد بنز؛ نامبر وان ولی
پول، دفترچه و در مانگاه بد
گفت بابایم که مامان جدید
با نگاهش گفت طفل خواهرم
گرچه «کافی شاپ» جو دارد ولی
پول ما را خورد یک بانک جدید!
صادقانه من بگویم با شما؛
می شود هر چیز را ه ی کش دهم
زیر باران پاک شد آرایشش!
.....

مسابقه چی شده؟

گریه سر عروس!



سلام. ممنون از همه دوستانی که در این مسابقه شرکت می کنن. ببینیم این عکس مادر بزرگ گریه دوست رو چه می کنيد. فراموش نکنيد پیامک های بدون اسم، بی نمک و کلیشه ای در مسابقه شرکت داده نمی شن.
یادآوری مسابقه: باید برای این عکس یک شرح حال بامزه بنویسید و تا ساعت ۲۴ امشب (دوشنبه) برای ما به پیامک ۲۰۰۹۹۹۹ یا شماره ۹۰۱۸۳۷۴۱۸۴ در پیام رسان ایتا بفرستید. در ابتدای هر پیامک، نام ستون «چی شده؟» و در آخر پیامک هم نام و نام خانوادگی تون رو حتما بنویسید. بنابراین پیامک ارسالی باید این جوری باشه: چی شده؟ وقتی... (نام و نام خانوادگی). بانمک‌ترین و خلاقانه‌ترین جمله‌های فرستاده شده، روز چهارشنبه به اسم خود نویسنده‌ها چاپ می شه. همیشه خوش باشید. حالا چند مثال:
✱ وقتی حواس پرتی و صبح به جای کلاه، گریه سرت می کنی!
✱ وقتی اون قدر گریه ات رو دوست داری که همیشه جاش روی سرت!
✱ وقتی بچه ها و نوه ها اون قدر بی معرفتن که گریه جاشون رو تو زندگی مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها می گیره!



گتی ایمج | کارگران مشغول کار روی طناب‌های پلی نوساز، چین

تفال

چرا نه در پی عزم دیار خود باشیم
غم غربیی و غربت چو بر نمی‌تایم

دی روزنامه

نشتابید! نشتابید!

علیرضا کاردار | طنزپرداز

کلا عجله و شتابزدگی در هیچ کاری خوب نیست. چه آن زمانی که ناوایی‌ها صفی بود و دویست نفر در صف ایستاده بودند و یکی با عجله می آمد و همان طور که خودش را تکان می‌داد به جلوی صف می رفت و می گفت، صادر پیرش که نفس های آخرش را می کشد هوس نان تازه کرده و اگر پهنش نرسد از دست می رود و نان را می گرفت و می رفت و توی دلش به درون صفی‌ها می خندید. یا آن زمانی که ترافیک مثل الان نبود و می شد در خیابان‌ها تندتر از بیست و پنج کیلومتر رانندگی کرد و راننده‌ها برای رانندن سرگوسفندی که در صندوق عقب گذاشته بودند به کله‌بزی، از هم سبقت می گرفتند. یا حتی همین روزها اگر مردم شتابزده عمل نمی کردند و می گذاشتند گروه بر گزار کننده نمایش تبلیغاتی آن فیلم، سناریو را کامل اجرا کند و وسطش چیغ و داد نمی کردند و نمی ترسیدند و برنامه را به هم نمی ریختند، آخرش بعد از اجرای تیراندازی و شمشیربازی و انفجارهای نمایشی، متوجه می شدند که چه تبلیغ اثر گذاری بوده و به جای شکایت، تشویق شان هم می کردند.

حالا هم همین طور است، رئیس اتحادیه مشاوران املاک گفته: «شتابزدگی مردم باعث ضرر و زیان خواهد شد.» دیدید؟ آقای رئیس هم به این نتیجه رسیده است که ما مردم عجولی هستیم و اگر این عجله را کنار بگذاریم، ضرر و زیان هم نخواهیم کرد. شاید فکر کنید منظور رئیس اتحادیه این بوده است که مردم سر فرصت دنبال خانه بگردند تا رهن و اجاره اش با بودجه و پس انداز و قیمت طالاهای همسر و وام صندوق خانوادگی و پول توجیبی پدران شان متناسب باشد و متراژ و تعداد کابینت‌ها و ضخامت دیوار و سلامت عقلی همسایگان و میزان بیش فعالی فرزندان همسایه‌ها و... مورد قبول شان باشد. ولی خیر، آقای رئیس ادامه داده: «مردم عجولانه وارد بازار نشوند چرا که همین شتابزدگی مردم عامل افزایش قیمت‌ها در بازار می شود.» یعنی کلا هرچه فکر می کردیم نقش بر آب شد. ما دنبال یک هفتاد متری با بیست تومان پیش و ماهی پانصد یا نه‌پایتش ششصد و بیست می گشتیم و سعی می کردیم عجله نکنیم، ولی آقای رئیس گفته در خرید انبوه خانه به عنوان سرمایه گذاری شتابزده عمل نکنیم و دست نگه داریم تا بازار ثابت شود که زیان نکنیم.

فکر کنم اصلا خبر اشتباهی کار کردیم، این خبر به گروه خونی ما نمی خورد. بی خیال حرف‌هایی که گفتیم، به ادامه روزنامه توجه کنید!

تا حالا دقت کردین



ماوشما

داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، طرح، عکس و هر ایده بامزه و جالب خود را به پیامک ۲۰۰۹۹۹۹ یا شماره ۹۰۱۸۳۷۴۱۸۴ در پیام رسان ایتا بفرستید.

✱ با سلام و خسته نباشید خدمت دست اندرکاران محترم روزنامه خراسان، پیشاپیش فرارسیدن ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن را خدمت همه شما عزیزان تبریک عرض می کنم. با تشکر
فهمیه کشته گر، در گو
✱ از آدم هایی که واژه انسانیت برازنده شون هست کسانی هستند که می دونند ممکنه محبت شون هیچ وقت نفسم، دوست دارم و ممنون بابت جبران نشه، ولی بازم محبت می کنند.
محمد جواد سلیمی
✱ در ستون نیم دقیقه ای همشهری سلام شنبه، تصویر یک سگ در خانه وجودداره. شما با این گونه تصویرسازی ها نگهداری از سگ ها در خانه را عادی نشان می دید. لطفا تذکر بدید.
ما و شما: تا تشکر از توجه شما، ستون نیم دقیقه ای مربوط به داستان های خارجی است که ترجمه شده اند و تصویرسازی ها هم خارجی است.

رو با گلدون و آباژور استار نکردین.